

تبیین و نقد چستی تمدن اسلامی از دیدگاه ارنست رنان

سید حامد نیازی

نویسنده مسئول، دانش‌آموخته حوزه علمیه قم، قم، ایران.

seyyed-ha@yahoo.com

سید ضیاءالدین میرمحمدی

عضو هیئت‌علمی گروه تاریخ و تمدن دانشگاه معارف اسلامی قم، قم، ایران.

ziya.mirmohammadi@gmail.com

چکیده

تمدن اسلامی از تمدن‌های درخشان در سطح جهانی است که می‌تواند تا حد زیادی الگوی مناسب برای تکوین تمدن نوین اسلامی باشد. الگوسازی از تمدن اسلامی با موانع جدی در حوزه نظری روبه‌روست. در همین راستا، تطور معرفتی در ساحت‌های فرهنگی-تمدنی و در ساحت نظریه رو به گسترش است. نظریه‌سازی با شاخصه «تعارض اسلام با علم، عقل و مؤلفه‌های تمدنی» از مهم‌ترین موانع ارزیابی می‌شود. این نگرش توسط متفکران و مستشرقانی نظیر ارنست رنان تئوریزه و مستدل شده است. تصمیم‌سازی در جهت الگوپذیری از تمدن اسلامی در حوزه تکوین تمدن نوین اسلامی، تبیین و نقد نگرش مذکور را ضروری می‌نمایاند. در

این مقاله، ابتدا به سیر تاریخی مطالعات اسلامی و تمدن اسلامی در غرب پرداخته شده و سپس پیشینه تحقیق بررسی شده است. در ادامه، به حیات علمی-فرهنگی ارنست رنان اشاره و پس از آن، چستی تمدن اسلامی از دیدگاه ارنست رنان در دو حوزه محتوایی و روشی تبیین شده است. در ادامه، نگارنده با روش تاریخی و تاریخی-فلسفی به نقد دیدگاه وی در دو ساحت روشی و معرفتی پرداخته و درنهایت، بیان کرده است که اصول حاکم بر دیدگاه رنان در دو ساحت ساخت و معرفت، با اشکالات اساسی روبه‌روست؛ از این رو، استنادسازی و مستدل‌سازی رنان در حوزه تمدن اسلامی با استفاده از تئوری «تعارض و حذف» قابل دفاع نیست.

خلط میان اسلام و عرب، خلط مقام منطقی و مقام تاریخی، عدم علم به علوم تأسیسی اسلامی و استفاده از روش زمینه‌شناختی تاریخی بخشی از اشکالات مذکور است. درنهایت، توان اسلام در تمدن‌سازی در ساحت ثبوت و اثبات بیان شده است.

کلیدواژه‌ها: تمدن، تمدن اسلامی، چستی تمدن اسلامی، تبیین دیدگاه رنان، نقد دیدگاه.

بیان مسئله

در راستای مطالعات اسلامی^۱ در حوزه تمدن اسلامی^۲ دیدگاه‌های مختلفی مطرح شده است؛ از جمله تهی‌بودن اسلام از پتانسیل تمدن‌سازی که توسط مستشرقانی^۳ نظیر ارنست رنان^۴ مطرح شد. در این نوشتار دیدگاه مذکور توصیف، تبیین و تفسیر (به معنای خاص) و درنهایت، در حوزه محتوا و روش مورد نقد واقع شده است. بر این اساس، این سؤال مطرح است که تحلیل دیدگاه رنان در مورد چستی تمدن اسلامی براساس انگاره‌های کلی برگرفته از عقل، دین و تاریخ در دو ساحت ساخت (روش) و معرفت (محتوا) چیست؟

1. Islamic studies
2. Islamic civilization
3. Orientalists
4. Ernest Renan

اصول ناظر به چیستی تمدن اسلامی از منظر وی در حوزه تمدن اسلامی کدام‌اند؟
نقدهای ساختاری و محتوایی آن به چه صورت است؟ از این رو، با هدف حفظ هویت
دینی فرهنگ و تمدن اسلامی و استمرار آن، در جهت الگوسازی از تمدن اسلامی با دو
روش تحلیل ساختاری و تحلیل محتوایی به نقد آن پرداخته می‌شود.

مفهوم‌شناسی تحقیق

قبل از ورود به بحث لازم است مفاهیم کلیدی مورد استفاده در مقاله بازتعریف^۱ و
هرگونه ابهام در این حوزه رفع شود.

۱. فرهنگ^۲

از ویژگی‌های واژه فرهنگ، تنوع و گستردگی تعریف آن در حوزه کمی و کیفی است.
نگاه حداکثری تا بیان تصویری مصداقی، طیف مذکور را شکل می‌دهد؛ از این رو، بیش
از ۶۰۰ تعریف از فرهنگ در مجامع علمی مطرح شده است.^۳ تعریف مقبول در متن
پیش رو عبارت است از: «فصل جداگر انسان از حیوان در زندگی فردی و اجتماعی که
ماهیتی حقیقی دارد و امری ذهنی و اعتباری نیست».

۲. تمدن^۴

واژه تمدن نیز از حیث تنوع و گستردگی همانند واژه فرهنگ است. نگاه‌های حداکثری
به این واژه تا توصیف‌هایی مصداقی از آن، طیف وسیعی از تعریف تمدن را تشکیل
می‌دهد (توین‌بی، ۱۳۷۶: صص ۴۸-۴۷). به نظر می‌رسد بسیاری از آن‌ها بر مبنای منظومه
فکری حاکم بر تعریف‌کنندگان است؛ از این رو، تعریف مدنظر مقاله از تمدن، فارغ از
نژادها و زمان‌ها عبارت است از: «نظامی ترکیبی برای پاسخ به نیازهای انسانی».

1. redefine

2. culture

۳. برای اطلاع بیشتر ر.ک: آشوری، تعریف‌ها و مفهوم فرهنگ، ۱۳۵۷؛ مالدینوفسکی، نظریه‌ای علمی درباره فرهنگ، ۱۳۷۹؛ سردار، فرهنگ‌شناسی، ۱۳۸۸؛ ولایتی، فرهنگ و تمدن اسلامی، ۱۳۹۲؛ ص ۱۹؛ توین‌بی، خلاصه دوره دوازده جلدی بررسی تاریخ تمدن، ۱۳۷۶: ص ۴۷.

4. Civilization

۳. تمدن اسلامی^۱

تمدن‌ها به اعتباری به تمدن‌های دینی^۲ و تمدن‌های غیردینی^۳ تقسیم می‌شوند. با توجه به تعریف مقبول از تمدن، ابتدای نظام ترکیبی مذکور به دین اسلام را تمدن اسلامی می‌گوییم. چون نظام^۴ نیازهای دین اسلام جهانی است، تمدن اسلامی، مطلوبش، فعالیت منطقی و تاریخی در سطح جهانی است.

۴. آریستوکراسی^۵

این اصطلاح ریشه یونانی دارد و به معنی حکومت بهترین‌ها یا حکومت نخبگان و شایستگان است. در حال حاضر آریستوکراسی بیشتر به عنوان حکومت اشراف و طبقات ممتاز معنی می‌شود (طلوعی، ۱۳۷۷: صص ۲۸-۲۷).

سنخ‌شناسی^۶ تمدن پژوهی در غرب

گونه‌شناسی تمدن‌پژوهی در نظام علمی غرب در چهار حوزه قابل تصور است:^۷ تمدن‌پژوهی با دیدگاه فلسفه نظری تمدن، با دیدگاه راهبردی به تمدن، با دیدگاه تاریخ تمدن جهان و براساس دیدگاه تمدن اسلامی (میرمحمدی و بارانی، ۱۳۹۱: صص ۱۸-۱۲). در حوزه ماهیت و چیستی تمدن اسلامی دیدگاه‌های مختلفی در مطالعات اسلامی در غرب مطرح شد که برخی از آن‌ها عبارت‌اند از: منشأ وحدت و تنوع تمدن اسلامی (گوستاو لوبون)، شأن استقلالی تمدن اسلامی (رابرت برونشوویک)، منشأ اسلامی-عربی و عاریه‌ای تمدن اسلامی (ژوزف بورلو)،^۸ منشأ عربی تمدن اسلامی (فیلیپ حتی)، منشأ فرهنگی و

1. Islamic civilization
2. Religious civilizations
3. Secular civilizations
4. System
5. Aristocracy
6. Typology

۷. برای اطلاع از سیر تاریخی مطالعات اسلامی در غرب ر.ک.: الویری، *مطالعات اسلامی در غرب*، ۱۳۸۱: صص ۲۹۴-۲۶۳؛ عسگری و نوروزی فیروز، *روش‌شناسی مطالعات اسلامی در غرب*؛ گفتارهایی از عبدالعزیز ساشادینا، ۱۳۹۳.

۸. ژوزف بورلو کتابی با عنوان *تمدن اسلامی با هدف آشنایی غرب با فرهنگ و تمدن اسلامی* نگاشت که تأکید گزاره‌های مطرح در این کتاب بر تمدنی عربی - اسلامی است.

غیرتمدنی اسلامی (ارنست رنان). دیدگاه اخیر که تمدن اسلامی را تمدنی غیردینی قلمداد می‌کند، از یک سو اسلام را فاقد پتانسیل تمدن‌سازی و از سوی دیگر، آن را در زمینه مظاهر و آثار تمدنی، فاقد هرگونه منطق و فلسفه می‌داند (همان: صص ۳۵-۳۴).

پیشینه‌شناسی تحقیق

تعریف، توصیف، تبیین و ارزش‌گذاری دیدگاه‌ها و نظریات مستشرقان در حوزه‌های مختلف علمی در دهه‌های اخیر مطرح شده است، مانند مقاله «درآمدی بر چپستی تمدن اسلامی از دیدگاه مستشرقان» که این مقاله به تبیین و نقد پنج دیدگاه از مستشرقان در حوزه تمدن اسلامی پرداخته و از این حیث با تحقیق مذکور همراهی دارد؛ اما به دلیل نگاه کلان آن به موضوع مطروح، به صورت جزئی به تحلیل دیدگاه پنجم نپرداخته است. «بازشناسی رده‌های اندیشه‌گران جهان اسلام بر ادعاهای ارنست رنان» عنوان مقاله‌ای دیگر است که تا حدودی در محتوا، هم‌راستا با تحقیق پیش روست. اکتفا به نقدهای انگشت‌شمار بدون ارجاع به متن سخنرانی رنان، عدم تبیین هندسه فکری او و خالی بودن مقاله از نقدهای ساختاری در کنار عدم بیان مؤلفه‌های ساختاری و معرفتی دیدگاه رنان در حوزه تمدن اسلامی، وجوه تمایز آن را با تحقیق پیش رو آشکار می‌کند.

حیات علمی-فرهنگی ارنست رنان (۱۸۹۲-۱۸۲۳م)

ژوزف ارنست رنان^۱ در شهر تره گیه فرانسه متولد و در رشته‌های فلسفه، فقه‌اللغه و تاریخ کارشناس شد. در ۱۸۵۲م. دکترای خود را در ادبیات اخذ کرد (صالحی، ۱۳۸۹: ص ۶۰). وی با نگارش کتاب *زندگی حضرت مسیح*، با حذف قوانین تعبدی، به خیال خود، حضرت مسیح را نجات داد.^۲ وی در ادامه مسیر فکری و در تضادهای روح شکاک خود^۳ عقاید خویش را عرضه کرد؛ درعین حال که تنها عقل را برای حاکمیت

۱. مورخ، زبان‌شناس و دین‌پژوه فرانسوی.

۲. او پیرو مشرب تحقیقی و تحصیلی (پوزیتیویست) بود و کتاب *زندگی مسیح* او، متدیان را آزرده‌خاطر کرد.

۳. برخی از آن به فطرت دوگانه رنان تعبیر و در کنار روحیه زن آسایش از آن تمجید می‌کنند! برای اطلاع بیشتر ر.ک.: دهشیری، *ارنست رنان*، ۱۳۶۹: صص ۱۸۶-۱۷۷.

می‌پذیرفت، مرکز شکاکیت فکری بود. به تعبیری، به دنبال ترویج پارادوکس معرفتی در حوزه عقل و دین برای اثبات ناسازگاری آن دو در حوزه‌های معرفت‌شناختی و هستی‌شناسانه بود؛ از این رو، رنانیسم در حوزه عقل و معرفت نضج و عبارت از سبکی شد که همه اندیشه‌ها و افکار را در زمینه نسبت بررسی می‌کرد. این دیدگاه هیچ‌گونه تعبد، تقید و مطلق بودن را بر نمی‌تافت. *تاریخ ملت اسرائیل*^۱، *آینده علم*^۲ زندگانی مسیح^۳، *اصول مسیحیت*^۴، *تاریخ ادیان*، ترجمه سه کتاب از تورات، *مکالمات فلسفی*^۵، *درام فلسفی*^۶، *اصلاحات فکری و اخلاقی کشور فرانسه*^۷، *خاطره‌های روزگار کودکی و جوانی*^۸ از مهم‌ترین آثار اوست.

تبیین چیستی تمدن اسلامی از دیدگاه ارنست رنان

قبل از نقد دیدگاه رنان در حوزه چیستی تمدن اسلامی، به تبیین معرفتی و روشی آن پرداخته می‌شود.

رنان دیدگاه‌های نقادانه خود در باب دین را از فضای علمی-الحادی تحصیل خود کسب کرد. نقد بی‌پروای دین از مؤلفه‌های بارز وی^۹ در دیدگاه‌هایش نظیر چیستی تمدن اسلامی است. او و همفکرانش معتقدند ماهیت تمدن اسلامی در دوران اوج، گرچه نام اسلام را یدک می‌کشد؛ اما غیراسلامی است. چراکه مؤلفه‌های موجود در

1. *Histoire du peuple d'Israël*
2. *L'avenir de la science*
3. *Vie de Jésus*
4. *Eau de Jouvence*
5. *Dialogue philosophique*
6. *Drames philosophiques*
7. *Reform intellectuelle et morale de la france*
8. *Souvenirs d'enfance et de geunesse*

۹. رنان با ازدست‌دادن ایمان، قدرت درک ایمان و احترام به ایمان را نگاه داشت (دهشیری، ۱۳۶۹: صص ۱۷۷-۱۸۶). بیان مذکور نسبت به فیلسوفی با نگره‌های متعارض، کامل و جامع نیست. با نگاهی گذرا به گزاره‌های فکری-اعتقادی رنان، می‌توان دریافت که او از نوعی پارادوکس مخفی ذهنی که قسمتی از آن ناشی از دوران پرتلاطم جوانی‌اش است، رنج می‌برد و آن را در قالب دیدگاه به جامعه علمی کشور عرضه می‌کرد. کنش‌های منفی حیات جوانی‌اش او را وادار به واکنش‌هایی این‌چنینی می‌کرد؛ از این رو، نمی‌توان هم ایمان نداشت و هم قدرت درک آن را داشت.

اسلام خاصه نوع نگاه اسلام به علم و عقل، معارض با نظام‌های موجود در تمدن هستند؛ از این رو، اسلام و تمدن با یکدیگر ناسازگار و اسلام فاقد پتانسیل تمدن‌سازی است (حلبی، ۱۳۵۶: صص ۸-۲۱).^۱ رنان مشخص نکرده است از نظر منطقی، رابطه میان اسلام و تمدن چیست؟ نیز گویا با جوهره اسلام آشنایی کاملی نداشته که این‌گونه استنباط به اصطلاح منطقی خود را از آن استخراج کرده است؛ بر این اساس، خلط میان مقام اثبات و ثبوت نشانه خوبی از وضعیت عینیت در فرهنگ علمی حاکم بر جهان کنونی نیست.

۱. تبیین محتوایی دیدگاه ارنست رنان در باب تمدن اسلامی

چیستی‌شناسی دیدگاه رنان در باب تمدن اسلامی نیاز به تبیین اصول حاکم بر آن را دارد؛ از این رو، به بیان اصول حاکم و فروع آن‌ها که از سخنان وی استخراج شده است پرداخته می‌شود.

۱-۱. پذیرش تمدنی تأثیرگذار در سطح جهانی در سرزمین‌های اسلامی

پس از ظهور اسلام در بلاد اسلامی، تمدنی با برد جهانی، البته با ماهیتی غیراسلامی و غیرعربی ظهور یافت که تا قرن هفتم ادامه داشت. مرز علم نزد آن‌ها بود و سیطره علمی-فرهنگی آن‌ها بر جهان غالب بود (حلبی، ۱۳۵۶: صص ۸-۱۰).

۲-۱. هویت و ماهیت غیرعربی تمدن اسلامی

رنان معتقد است با توجه به گزارش‌های تاریخی و نوع نژاد عرب، اصولاً شکل‌گیری تمدن توسط این نژاد امکان تاریخی و منطقی ندارد؛ از این رو، تمدنی که به نام مذهب ساکن در شبه جزیره و به نام نژاد ساکن در آن مشهور شده در حقیقت متعلق به نژادهای

۱. ارنست رنان در ۲۰ جمادی الاولی سنه ۱۳۰۰هـ. (۲۹ مارس ۱۸۸۳م.) در دانشگاه سوربن فرانسه نطقی با عنوان اسلام و علم (L'islam et la science) ایراد کرد و ارتباط اسلام با علم را مردود دانست و فلسفه و فیلسوفان تمدن اسلامی را متعلق به ملت‌های دیگر دانست. همچنین، اسلام را مانع علم و فلسفه معرفی کرد. خطابه رنان در مجله دبا (journal Des Debats) منتشر و به زبان‌های دیگر ترجمه شد و آغازگر یک رشته مباحث فکری و مجادلات قلمی در جهان اسلام و غرب شد.

دیگر است و از بد حادثه، ظهور اسلام با تکوین این تمدن عظیم هم‌زمان شده است. - فروع اصل دوم: تأکید بر عنصر نژاد، فلسفه منسوب به عرب، فلسفه یونان و ساسانیان است نه فلسفه عرب (همان: ص ۱۲). زبان عربی ظرفیت پایینی در حوزه فرهنگ و تمدن دارد (همان: ص ۱۳ و ۱۵) و علوم منسوب به عرب، از اعراب و عرب فقط و فقط زبان عربی را به ارث بردند و دیگر هیچ (همان: صص ۱۴ و ۱۵)؛ بین فلاسفه اسلامی فقط کندی عرب است (همان: ص ۱۵) و خلاصه اینکه نژاد مشرق‌زمین جزم‌گراست (همان: صص ۲۰ و ۲۱).

۱-۳. هویت غیراسلامی تمدن اسلامی

اسلام همانند دیگر ادیان با عقل، علم و فلسفه مخالف است و هرگونه رشد علمی و فلسفی را با تکفیر پاسخ می‌دهد؛ بر این اساس، می‌گوید: «چگونه دینی که مخالف علم و فلسفه است با دست خود به گسترش علوم عقلی دست می‌یازد؟ اصول مذکور از فروعاتی فرودست در حوزه مصداق سرچشمه می‌گیرند که این فروعات در سخنرانی رنان به‌وضوح قابل تشخیص است. برخی از آن‌ها عبارت‌اند از: پستی مقام کنونی ممالک اسلامی و تنزل و زوال دولت‌های اسلامی به‌وضوح قابل مشاهده است (همان: ص ۷). ممانعت اسلام از ورود افکار جدید به مغز مسلمانان امری روشن و بین است (همان). افراد با ورود به دایره مذهب، خشک و متعصب شده از پذیرش هرگونه علم و معرفت امتناع می‌کنند (همان). مسلمانان، ادیان دیگر را به جهت حقارت آن‌ها رد می‌کنند (همان). مسلمانان هیچ‌گونه توجهی به علم و معرفت در اروپا ندارند (همان). روحیه ناسیونالیستی مسلمانان با آمدن اسلام به کشورشان از بین می‌رود (همان). عامل اصلی توقف صدساله ترقی تمدن ساسانی در ایران ورود اسلام به آن بود (همان: صص ۹ و ۱۰) ولی تمدن ساسانی با نام خلافت عباسی دوباره شکل گرفت؛ چراکه دین خلفای عباسی سطحی و ظاهری بود (همان: ص ۱۰). رشد علمی و فلسفی مسلمانان در زمان‌هایی شکل می‌گرفت که دست از دین اسلام برمی‌داشتند (همان: ص ۱۱). فیلسوف نزد مسلمانان همان زندیق است (همان: ص ۱۲). حذف فلسفه از ممالک اسلامی از سال ۵۹۷ هجری به بعد به دلیل غلبه تعصب مذهبی آغاز شد (همان:

ص ۱۴). علوم اسلامی سر تا پا محصول فرهنگ و اندیشه زرتشتی‌ها، مسیحی‌ها، یهودی‌ها، حرانی‌ها، اسماعیلی و مسلمانانی است که باطناً بر ضد دین اسلام هستند (همان: صص ۱۵ و ۱۶). سختگیری اسلام نسبت به علوم و فلسفه با گذشت زمان رشد می‌یابد (همان: ص ۱۶). میان مذهب و آزادی افکار، تعارض وجود دارد (همان: صص ۱۶ و ۱۸). اسلام بر ضد ترقی و بهبودی نوع بشر اقدام می‌کند (همان: ص ۱۶). مسلمانان با اسلام آشنا نیستند (همان: ص ۱۷). کفرآمیز بودن تحقیق درباره علوم از صفات مسلمانان است (همان: ص ۱۸). اسلام از یک سو مشوق علم، علم‌آموزی و فلسفه نیست و از سوی دیگر، با اعتقاد به غیب و تکیه بر خوارق عادت و ایمان به قضا و قدر مانع فلسفه علم و فلسفه و رشد آن‌هاست (همان: صص ۸ و ۷۳۹-۷۳۵)؛ بر این اساس، مسلمانان به آزار و اذیت علما و فلاسفه می‌پرداختند و در برخی اوقات به کتاب‌سوزی دست می‌زدند. از این رو، رنان به شدت با اسلام و ادیان دیگر در حوزه تأثیرگذاری بر ساخت و گسترش تمدن خاصه تمدن دینی مخالف است.^۱

۲. تبیین روشی دیدگاه ارنست رنان در باب تمدن اسلامی

رنان با تکیه بر گزارش‌های گزینشی و غیر قابل استناد تاریخی به دنبال ایجاد فضایی «تعارض محور» میان اسلام و عقلانیت است. کارکردهای اسلام در حوزه علم و فلسفه را در دیدگاه خود با روشی تاریخی محو می‌کند. مؤلفه‌های آن‌ها را نقد کرده و عنصر نژاد را در تمدن‌سازی پررنگ جلوه می‌دهد. ذهنیت پارادوکسیکال زنان در سخنرانی‌هایش به وضوح قابل مشاهده است (حلبی، ۱۳۵۶: صص ۸-۲۱). این روش با زندگی شخصی او در اجتماع و اصطکاکات حاصل در محل تحصیلش تقویت شد.^۲ او با روشی تعارض محور به دنبال اثبات دیدگاه خود در حوزه تمدن اسلامی است؛ تعارضی خودساخته که خود به دنبال حل آن است که عبارت است از تعارض میان اسلام و عقل، علم و فلسفه و در سخنرانی معروفش به کرات از آن نام می‌برد (حلبی، ۱۳۵۶: صص ۷-۱۸).

۱. وجود گزاره‌های انفصالی و عرضی در افکارشناسی رنان از یک سو و ترویج پارادوکس معرفتی در حوزه علم و دین توسط او از سویی دیگر، وجود منطقی نامنظم در افکار او را در حوزه معرفتی و ساختاری نمایان می‌کند.
۲. بنگرید به: همین مقاله، قسمت حیات علمی-فرهنگی ارنست رنان.

نقد دیدگاه ارنست رنان در باب چیستی و ماهیت تمدن اسلامی

با توجه به اصول سه‌گانه و فروع آن‌ها که ذکر شد، به تحلیل دیدگاه رنان در دو ساحت معرفتی و ساختاری در حوزه تمدن اسلامی پرداخته می‌شود.

۱. نقد معرفتی

۱-۱. خلط میان اسلام و عرب

بسیاری از آرای ارنست رنان درباره عرب‌های پس از اسلام مستند تاریخی ندارد (میرمحمدی و بارانی، ۱۳۹۱: ص ۳۶)؛ از سوی دیگر، درست است که اسلام در شبه‌جزیره عربستان ظهور یافت، ولی این بدان معنا نیست که تمام فرهنگ و افکار آن‌ها مورد تأیید اسلام باشد. هر عملی که از سوی آن‌ها صادر می‌شود دال بر اسلامی بودن آن نیست و برعکس.^۱

۲-۱. خلط مقام منطقی تمدن اسلامی و مقام تاریخی تمدن اسلامی

رنان با چینش برخی گزاره‌های تاریخی که مربوط به «جهان تاریخی اسلام» است و نه جهان ثبوتی اسلام، به این نتیجه رسیده که اسلام با علم و فلسفه مخالف است. با فرض صحیح بودن برخی گزاره‌های تاریخی، آن‌ها مربوط به جهان تاریخی اسلام هستند نه جهان منطقی و ثبوتی اسلام و طبق نظر برخی، جهان منطقی اسلام عین علم و تفکر و فلسفه است (میرمحمدی و بارانی، ۱۳۹۱: صص ۳۶-۳۵) و عقل، علم و علم‌آموزی از پایه‌های اصلی تمدن‌سازی و استمرار آن محسوب می‌شود؛ از این رو، اسلام با ابتدای بر این مسئله به تمدن‌سازی در سطح جهانی دست یازید. خداوند در قرآن کریم، بیش از ۳۰۰ بار انسان‌ها را به تفکر، تذکر و تعقل دعوت کرده است (طباطبایی، بی‌تا، ج ۵: ص ۵۱۵)؛ همچنین، موارد زیادی از مشتقات واژه عقل نظیر عقول، یعقلون، تعقل، تعقلون و یعقلها به معنای درک و قهیم در قرآن به کار برده شده است.^۲ استفاده از عقل

۱. یعنی هر آنچه اسلام مطرح کرده و آورده منشأ عربی نداشته است؛ از جمله تمدن اسلامی که اختصاصی به نژاد عرب ندارد.

۲. برای اطلاع بیشتر ر.ک.: دایرةالمعارف‌های قرآنی نظیر دایرةالمعارف قرآن کریم، مرکز فرهنگ و معارف قرآنی، قم: بوستان کتاب (انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم)، ۱۳۸۲ ش.

توسط انسان در قرآن جایگاهی بس عظیم دارد و نجات‌بخش انسان در قیامت است (ملک: ۱۰). همچنین، اصل حاکم بر منظومه فکری مسلمان، تعقل و عقل‌گرایی است؛ از این رو، ابتدای پذیرش اسلام توسط هر انسانی، از منظر وحی، عقلانیت محض است. در لسان ائمه مسلمانان نیز همین جایگاه برای عقل تبیین و ویژگی‌های بی‌همتایی برای آن بیان شده است (برای اطلاع بیشتر ر.ک: امام خمینی، ۱۳۸۵: ص ۱۹؛ ری شهری، ۱۳۸۶ صص ۳۹۵-۳۹۰).

علم همچون عقل در قرآن کریم از جایگاهی رفیع برخوردار است؛ از این رو، خداوند متعال از واژه علم برای برتری در حوزه‌های مختلف حیات بشری استفاده فرموده‌اند. خداوند می‌فرماید: «بگو: آیا آن‌هایی که می‌دانند با آن‌هایی که نمی‌دانند برابرنند؟ تنها خردمندان پند می‌پذیرند» (زمر: ۹). در جایی دیگر می‌فرماید: «خدا آن‌هایی را که ایمان آورده‌اند و کسانی را که دانش داده شده‌اند درجه‌ها بالا می‌برد و خدا به آنچه می‌کنید آگاه است (مجادله: ۱۱). برخی از ویژگی‌های دانش و دانایی در کلام ائمه مسلمانان چنین است: ^۱ سرآمد همه خوبی‌ها و خوب تحصیل آن بر هر مسلمانی، سرآمد فضیلت‌ها چراغ خرد، گمشده مؤمن، سودمندترین ثروت، برتری آن بر عبادت (محمدی ری شهری، ۱۳۸۶: صص ۳۹۶-۳۹۷). اسلام به یادگیری حداکثری دانش تأکید دارد؛ تا جایی که وجوب آن را برای هر مسلمانی مطرح می‌کند (کلینی، ۱۳۸۱ق: صص ۴۰۳-۳۹۸). برخی بزرگان اسلام درباره علم معتقد به افضل کمالات و اعظم فضایل هستند و آن را اشرف اسمای الهیه می‌دانند (امام خمینی، ۱۳۸۵: ص ۲۵۹). حال با این اوصاف، چگونه کسی می‌تواند ادعا کند اسلام با عقل، علم و علم‌آموزی تعارض دارد و با هرگونه یادگیری مبارزه و بی‌سوادی را ترویج می‌کند؟ ^۲ از این روست که آزاداندیشان غیرمسلمان غربی نظیر زیگرید هونکه بر همسویی دین اسلام با عقل و علم اعتراف دارند.

۱. برتری دانش بر عبادت، نگرستن به چهره عالم، ارزش آموزگار، ارزش علما، میوه دانش و موارد دیگر از موضوعاتی است که می‌توانید روایات آن‌ها را در کتاب منتخب میزان‌الحکمه دنبال کنید. به این منظور ر.ک: محمدی ری شهری، منتخب میزان‌الحکمه با ترجمه فارسی، ۱۳۸۶: صص ۳۹۸-۴۰۷.

۲. تناقض‌گویی رنان زمانی آشکار می‌شود که بدانیم در بسیاری از کتاب‌های حدیثی فصولی وجود دارد با نام کتاب العقل و الجهل و نیز کتاب فضل العلم. برای نمونه بنگرید به: کلینی، الاصول من الکافی، ۱۳۸۱، ج ۱، صص ۷۲-۱۰.

۳-۱. موقعیت منطقی و تاریخی تعقل‌گرایی در اسلام

رنان با نادیده انگاشتن متون دینی و حتی مقام تاریخی فلسفه اسلامی در کنار معلومات کاذبه و تحقیقات ناقصه، قائل به تهدید فلاسفه و سوزاندن کتاب‌های آن‌ها در بلاد اسلامی است. همچنین، فلسفه را محصول مسیحیان و بت‌پرستان می‌داند؛ درحالی‌که مسلمانان و عرب‌ها به سبب تأکیدات فراوان اسلام که در بالا ذکر شد، فلسفه را از یونان آموختند و آن را در دو سطح طولی و عرضی توسعه داده، چندین نظام و مکتب فکری-فلسفی تولید کردند^۱ که در مسائل و روش، تفاوت چشمگیری با فلسفه یونانی داشته است (مطهری، ۱۳۸۰، ج ۱۳: صص ۲۳۸-۲۲۳)؛ فلسفه مشاء^۲، فلسفه اشراق^۳ و آخرین آن‌ها، مکتب صدرایی. فلسفه مشاء براساس استدلال و اعتبار عقل ایجاد و به همت ابویعقوب اسحاق کندی، ابونصر فارابی، ابوالحسین عامری، ابوعلی سینا، امام فخر رازی و ابن‌رشد پیگیری و سپس در غرب دنبال شد. فلسفه اشراق توسط عمر بن محمد سهروردی (م ۵۸۷ ق) و پیروان او نظیر شهرزوری و علامه قطب‌الدین شیرازی پی گرفته شد (ولایتی، ۱۳۸۶، ج ۱: ص ۲۱۹)؛ از این‌رو، نادیده انگاشتن گزاره‌های تاریخی در این حوزه که تا زمان کنونی استمرار داشته قابل انکار نیست.

۴-۱. تناقض‌گویی و خلط در حوزه زبان، سرزمین و علوم

او تأکید دارد منظورداشتن علم و فلسفه به حساب عربستان همان‌قدر نابجاست که منظورداشتن ادبیات لاتین، فلاسفه اسکولاستیک، رنسانس، علوم قرن شانزدهم و بخشی از قرن هفدهم به حساب شهر روم، صرفاً به این دلیل که زبان نگارش اولی عربی و دومی لاتین است (حلبی، ۱۳۵۶: صص ۲۱-۸).

دیدگاه تعلق علم و دانش به مکان، نژاد، سرزمین و زبان خاص، همان‌طور که رنان بر آن تأکید دارد، بیهوده و غیرمنطقی است؛ اما او در همان سخنرانی (که این مطلب را

۱. برای اطلاع بیشتر به کتاب *درآمدی بر تاریخ فلسفه اسلامی* از محمد فنایی اشکوری، ۱۳۹۰: *درآمدی بر نظام حکم صدرایی* از عبدالرسول عبودیت، ۱۳۸۵ و *حکمت اشراق* از سید یدالله یزدان‌پناه، ۱۳۸۹ مراجعه کنید.

2. peripatetic philosophy

3. Intuitive philosophy

می‌گوید) از برتری مردم مغرب‌زمین و عنصر نژاد در تمدن‌سازی سخن می‌گوید؛ از این رو، باید گفت همان‌طور که علم و دانش و نیز تمدن‌سازی فرازبانی است، فرامکانی نیز است و به هیچ سرزمینی منحصر نیست. همچنین، کسی مدعی تعلق تمدن اسلامی به عربستان نیست،^۱ بلکه با نگاهی فرانژادی، تأکید بر اسلامی‌بودن تمدن اسلامی است.

۱-۵. ماهیت فرازبانی چیستی علم

رنان معتقد به پایین‌بودن ظرفیت زبان عربی در حوزه تمدنی است (حلبی، ۱۳۵۶: صص ۱۳ و ۱۵) و علوم منسوب به عرب فقط زبان عربی را از اعراب به ارث بردند و دیگر هیچ (همان: صص ۱۴ و ۱۵). رنان ادعایی بدون دلیل بیان کرده و با این تعبیر به دنبال تضعیف اسلام در حوزه تعقل و علم‌آموزی از طریق پایین نشان دادن ظرفیت زبان آن است؛ به این معنا که ظرفیت زبان دین اسلام را در حوزه علم و علم‌آموزی پایین می‌داند و از این طریق به دنبال اثبات پایین‌بودن ظرفیت دین اسلام در حوزه عقل، علم و فلسفه است؛ درحالی‌که علوم در زبان‌ها محصور نیستند و کسی ادعا نکرده رشد و گسترش علم در تمدن اسلامی به دلیل عربی‌بودن آن است و اصلاً ورود به بحث زبان در رشد و گسترش علوم در تمدن‌ها غیرمنطقی است. مفاهیم علوم و گزاره‌های علمی، کمترین ارتباطی با زبان ندارند و ماهیت و چیستی گزاره‌های علمی تخصصاً از زبان خارج و در این حوزه خنثی هستند؛ علاوه بر آن، بیان ادله رنان برای غیرعربی نشان دادن علوم در تمدن اسلامی سطحی است که نشان از عدم آشنایی او با علم زبان‌شناختی و رابطه آن با تمدن و تمدن‌سازی است. علوم تأسیسی در حوزه ادبیات عرب که با ظهور اسلام توسط علما و دانشمندان مسلمان شکل گرفت به وضوح، نگاه زبان عربی به رشد و توسعه علوم و ظرفیت بالای این زبان را نشان می‌دهد. گرچه زبان در تکوین، رشد و گسترش علوم دخالت مستقیم ندارد، ولی می‌توان ظرفیت زبان‌ها را در این حوزه با یکدیگر مقایسه کرد.

۱. غیر از عدهٔ خیلی از ناسیونالیست‌های عرب.

۶-۱. تکوین تمدن اسلامی با ظهور اسلام در بلاد اسلامی

اگر دیدگاه اسلام نسبت به پژوهش‌های متکی به خرد مثبت نبود چرا با ظهور اسلام، تمدن اسلامی شکل گرفت و کانون توجه دانشمندان، متفکران و فیلسوفان جهان از همه مذاهب شد و مرزهای علم را درنوردید؟ چرا قبل از اسلام این رشد و ترقی در کشورهایی که بعداً مسلمان شدند شکل نگرفت؟ کدام عامل غیر از اسلام باعث شد تا تمدن اسلامی با برد جهانی و بین‌المللی در این سرزمین‌ها شکل گیرد؟ رنان در تحلیل‌های خود از تئوری «تعارض و حذف»^۱ بهره می‌گیرد؛ از یک‌سو به وجود تاریخی تمدن اسلامی در سطح جهانی اقرار و از سوی دیگر، مخالفت حداکثری اسلام با علم، فلسفه و تمدن را مطرح می‌کند؛ درحالی‌که تمدن اسلامی اولاً، با ظهور اسلام، ثانیاً، توسط مسلمانان و نه مسیحیان و ملحدان و ثالثاً، در بلاد اسلامی تکوین، رشد و گسترش یافت.

۷-۱. علم کلام اسلامی^۲

ابتنای کلام اسلامی (جزء علوم تأسیسی دین اسلام) بر مؤلفه‌های عقلی و نقلی است؛ چراکه علم کلام اسلامی بر روش‌شناسی کلامی بر مبنای عقل هدایت‌شده به نقل تأکید دارد، یعنی در استنباط، از عقل برهانی هدایت‌شده به نقل بهره می‌برد؛ از این رو، ضعف دیدگاه رنان در این حوزه را آشکار می‌کند. علم کلام در حوزه مباحث دین‌پژوهی^۳ است و عمر آن به اندازه عمر دین اسلام است (درآمدی بر کلام اسلامی، حسینی: صص ۲-۳).

۸-۱. فلاسفه عرب در تمدن اسلامی

رنان مدعی است از میان فلاسفه دوره اسلامی فقط کندی عرب است و مابقی فلاسفه

۱. در ابتدا تعارضی خودساخته را تولید یا مطرح می‌کند (تعارض میان علم و اسلام)؛ در ادامه برای جذاب نشان دادن دیدگاه خود، یکی از طرفین را قربانی می‌کند. در حوزه تمدن اسلامی، به دلیل گزارش‌های فراوان تاریخی، نمی‌تواند منکر وجود تمدنی بزرگ در صدر اسلام شود؛ از این رو، به انکار تأثیرگذاری اسلام در تمدن‌سازی می‌پردازد تا بتواند این تعارض و مشکل خودساخته را حل کند.

2. Islamic Theology
3. study of religion

غیرعرب هستند. این مطلب مدعای بدون دلیل است. کتاب‌های تاریخ فلسفه، خاصه تاریخ فلسفه اسلامی به صورت مبسوط به بیان زندگی فلاسفه اسلامی پرداختند. تأکید این منابع بر عرب بودن بسیاری از دانشمندان خاصه فیلسوفان در بستر تمدن اسلامی است، نظیر ابن‌باجه، ابن‌رشد، ابن‌طفیل و نیز فیلسوفان حران (برای اطلاع بیشتر ر.ک: غطاس کرم و الیازجی، ۱۹۹۰، صص ۶۷۰ و ۷۳۱ و ۸۰۶).

۹-۱. سرزمین‌های اسلامی گهوارهٔ تکوین، گسترش و انتقال علوم

در نیمهٔ اول قرن دوم هجری بغداد مرکز ثقل علوم شد. تکوین نهضت ترجمه با فروکش کردن فتوحات و تأکیدهای منصور دوانیقی شکل گرفت. آثار مربوط به تمدن اسلامی این دوره به تفصیل در آثاری نظیر *الفهرست ابن‌ندیم*، *طبقات الاطباء* و کتاب *اخبار العلماء باخبار الحکماء ابن ابی‌اصیبعه*، *تاریخ الحکماء ابن قفطی* جمع‌آوری شده است. این عصر با فعالیت‌های گستردهٔ هارون و مأمون به پایان رسید. با تجزیهٔ سیاسی و تشکیل جامعهٔ مشترک‌المنافع اسلامی در قرن چهارم هجری، فعالیت‌ها و تحقیقات تازهٔ علمی و فلسفی از بغداد جدا و در سرتاسر جهان اسلام پراکنده شد (برای اطلاع بیشتر ر.ک: گوتاس، ۱۳۸۱: صص ۲۱۶-۱۹۱)؛ این پراکندگی باعث گسترش مراکز فرهنگی و فعالیت‌های علمی و فلسفی شد؛ از این رو، این عصر به دورهٔ رنسانس اسلامی نام‌گذاری شد (ولایتی، ۱۳۹۲: صص ۷۵-۸۷).

اگر اسلام با علم، فلسفه و تمدن مخالف بود نباید در سرزمین‌هایی که منتسب به اسلام بود علم و دانش پدید می‌آمد و گسترش می‌یافت؛ در حالی که امانت‌داری مسلمین در بلاد اسلامی در حوزهٔ علوم عقلی و انتقال آن پس از هشت سده به غرب (که دوران تاریکی خود را سپری می‌کرد) چیزی جز تأکید مقام تاریخی اسلام بر تکوین، حفظ و گسترش علوم نیست.

۱۰-۱. مقولهٔ فرانزادی و فرامذهبی علم در اسلام

اسلام به فراگیری علم نگاه حداکثری دارد؛ بر این اساس، پیامبر اعظم ﷺ می‌فرمایند:

«دانش را فراگیرید گرچه در چین باشد؛ زیرا طلب دانش بر هر مسلمانی واجب است»^۱ (محمدی ری شهری، ۱۳۸۶: ص ۳۹۹). در منابع مکتوب، گزارش‌های متعددی به فعالیت دانشمندان غیرمسلمان در مراکز علمی با رضایت کامل خودشان در بلاد اسلامی اختصاص یافته است. نظیر یحیی نحوی اسقف طیب در قرن هفتم میلادی در اسکندریه، یعقوب رهاوی^۲ در قرن هفتم میلادی، جرجیس بن جبریل بن بختیشوع^۳ در قرن هشتم میلادی، ابوزکریا یوحنا بن ماسویه فرزند داروسازی در جندی شاپور که به بغداد آمد در قرن هفتم میلادی،^۴ حنین بن اسحاق مسیحی (۸۷۳-۸۰۹م)،^۵ بزرگ‌ترین مترجم عرب^۶ قسطنین لوقا^۷ (قرن ۹ و ۱۰م)، سابورین سهل در قرن نهم میلادی،^۸ موسی بن میمون اسرائیلی قرطبی یهودی،^۹ ماسویه ماردینی مسیحی از همکاران ابن‌هیثم در دارالحکمه قاهره و جزء چهار پزشک بزرگ که از حمایت فرمانروایان فاطمی مصر برخوردار بود،^{۱۰} جاثلیق نسطوری،^{۱۱} ابوالفرج عبدالله بن طیب عراقی نسطوری،^{۱۲} ابو عبدالله بتانی صابئی مذهب در قرن نهم میلادی می‌زیست و ریاضی‌دان

۱. «أَطْلُبُوا الْعِلْمَ وَلَوْ بِالصَّيْنِ؛ فَإِنَّ طَلَبَ الْعِلْمِ فَرِيضَةٌ عَلَى كُلِّ مُسْلِمٍ».

2. Jacob of Edessa

نحوی، متکلم، شارح کتاب مقدس؛ برای اطلاع بیشتر ر.ک.: سارتن، مقدمه بر تاریخ علم، ۱۳۸۸، ج ۱: ص ۴۸۶.

3. Bakhtzasu

۴. سارتن، مقدمه بر تاریخ علم، ۱۳۸۸: صص ۵۶۳ و ۵۲۶ و ۴۸۶ و ۴۶۳.

۵. ویل دورانت به صورت مبسوط به فعالیت‌های او پرداخته است (دورانت، ۱۳۷۱، ج ۴: ص ۳۰۸).

۶. لوکاس، تاریخ تمدن، ۱۳۸۲، ج ۱: ص ۳۰۸.

۷. مسیحی یونانی الاصل که پزشک، فیلسوف، منجم و ریاضی‌دان بود. برای اطلاع بیشتر ر.ک.: سارتن، مقدمه بر تاریخ علم، ۱۳۸۸، ج ۱: ص ۵۹۱.

۸. سارتن، مقدمه بر تاریخ علم، ۱۳۸۸، ج ۱: ص ۵۹۱.

۹. عالم و فیلسوف و طیب یهودی که در فقه و شرایع یهود چنان مقام والایی داشت که یهودیان درباره او گفته‌اند: از موسی علیه‌السلام تا موسی (ابن میمون) کسی مانند موسی برنخاسته است. ابن میمون گرچه از علما و

احبار یهود است ولی چون در محیط فرهنگی و علمی اسلامی رشد یافته است آثار خود در طب و فلسفه را به

زبان عربی نوشته است. برای اطلاع بیشتر ر.ک.: بروجرودی، دایرة‌المعارف بزرگ اسلامی، ج ۵: صص ۱۳-۲.

۱۰. سارتن، مقدمه تاریخ علم، ۱۳۸۸، ج ۱: صص ۶۸۵-۶۸۳.

۱۱. همان: ص ۶۸۷.

12. Abulpharagius Abdalla Benattibus

کاتب جاثلیق نسوری و پزشک بیمارستان عضدی بغداد که شاگردان متعددی داشت. برای اطلاع بیشتر ر.ک.:

سارتن، مقدمه بر تاریخ علم، ۱۳۸۸، ج ۱: ص ۷۱۰.

بود، اعلی بن عیسی مسیحی، بزرگ‌ترین چشم پزشک عرب، در نیمه اول سده یازدهم هجری در بغداد زندگی می‌کرد.^۲

اسلام با ایجاد بستری مناسب برای ایجاد پیکره واحد دینی و امت واحده موحد، دانشمندان از ملیت‌ها و ادیان مختلف الهی را زیر پرچم خود جمع کرد و به وصایای اسلامی در حوزه علم جامعه عمل پوشانید (برای اطلاع بیشتر ر.ک: سارتن، ج ۱: صص ۷۶۵-۴۷۳).

۱۱-۱. جنگ‌های صلیبی یکی از عوامل عقب‌ماندگی سرزمین‌های اسلامی

رنان علت ضعف کنونی ممالک اسلامی را اسلام می‌داند (حلبی، ۱۳۵۶: ص ۷)؛ درحالی‌که مهم‌ترین عامل بیرونی عقب‌ماندگی و ضعف جهان اسلام ناشی از تجاوز دشمنان غربی به قلمروهای اسلامی است^۳ که از سوی صلیبیون غربی تئوریزه شد (ولایتی، ۱۳۸۶، ج ۲: صص ۶۹۴-۶۶۱). گوستاو لوبون در این زمینه می‌نویسد: «در هنگام جنگ‌های صلیبی مشرق از برکت اسلام، اعلی درجه ترقی را دارا بود و برعکس، اروپا کاملاً در ظلمت توحش و بربریت فرو رفته بود. صلیبیان یک عده وحشی بودند که دوست و دشمن، خودی و بیگانه را قتل و غارت کرده حتی ذخایر علمی را نابود کردند» (زیدان و لوبون، ۱۳۶۸: ص ۴۲۱).

۱۲-۱. پارادوکس معرفتی (منطق نامنظم) در افکارشناسی رنان

او در نطق خود در دانشگاه سوربن فرانسه، اسلام را ذاتاً فاقد تکوین‌مندی تمدن می‌داند، ولی در پاسخ خود به نامه سید جمال (حلبی، ۱۳۵۶: صص ۲۶-۲۱)، بر کمک دین اسلام به علم و رشد آن تأکید دارد (برای اطلاع بیشتر ر.ک: واتقی، ۱۳۳۵: ص ۱۱۸؛ عنایت، ۱۳۵۸: صص ۱۰۸-۱۰۴؛ صالحی، ۱۳۸۹: صص ۸۶-۵۹؛ سعیدی، ۱۳۷۲، صص ۸۵ و ۸۶).

۱. ویل دورانت، تاریخ تمدن، ۱۳۷۱، ج ۴: ص ۳۱۰.

۲. او در کتاب خود که قدیمی‌ترین کتاب چشم‌پزشکی است مطالب مهمی پیرامون چشم‌پزشکی و بیماری‌های آن بیان کرده است. برای اطلاع بیشتر ر.ک.: ویل دورانت، تاریخ تمدن، ج ۴: صص ۷۱۱ و ۷۱۲.

۳. معروف به جنگ‌های صلیبی از ۱۰۹۶م تا ۱۲۷۰م.

همو در جای دیگر می‌گوید: «آثار و کتاب‌های علمی و فنی علمای اسلام به‌وسیله جنگ‌های صلیبی به اروپا رفت و پیش از جنگ‌های صلیبی نیز بین عرب و اروپا از راه اندلس ارتباط پیدا شد و همه این عوامل اروپای فقیر و درمانده را به گنج‌های فناپذیر علمی، که نتیجه استعداد مسلمانان بود راهنمایی کرد و انتشار علم و نهضت علمی در سراسر اروپا، این قاره را به تمدن کنونی رسانید (امین عراقی، ۱۳۵۴، ج ۳: ص ۳۷).

وجود گزاره‌های انفصالی و عرضی در افکارشناسی رنان از یک‌سو و ترویج پارادوکس معرفتی در حوزه علم و دین توسط او از سوی دیگر، وجود منطقی نامنظم در افکار او را در حوزه معرفتی و ساختاری نمایان می‌کند.

۱۳-۱. علوم تأسیسی اسلامی

تقسیم علوم به تأسیسی و امضایی از تقسیم‌بندی‌های علوم است. برخی علوم غیراسلامی نظیر ریاضیات، نجوم، فیزیک و مکانیک، طب، کیمیا، فلسفه، منطق، تاریخ و تاریخ‌نگاری، جغرافیا، ادبیات، زبان‌شناسی امضایی هستند. برخی علوم منشأ و ماهیتی اسلامی دارند نظیر علم فقه، علم اصول، علم حدیث، علم تفسیر، علم قرائت، علم کلام، علم تصوف و عرفان (ولایتی، ۱۳۸۶، ج ۱: صص ۱۰۳-۷۰؛ کاشفی، ۱۳۸۹: صص ۱۳۳-۸۸)؛ بر این اساس، اسلام همان‌طور که علوم موجود را تأیید کرد، بر تأسیس علوم دیگری نیز اقدام کرد.

۱۴-۱. گسترش محتوایی علوم در سایه حمایت‌های دین اسلام

علوم انسانی اسلامی در تمدن اسلامی دارای دو جنبه است؛ جنبه‌ای که از خارج وارد شده و جنبه‌ای که مسلمانان به آن افزوده‌اند. معمولاً بخش دوم به فراموشی سپرده می‌شود و تمدن اسلامی را غالباً امانت‌دار خوبی معرفی می‌کنند؛ درحالی‌که امانت‌داری مسلمانان قسمتی از فعالیت علمی آن‌ها بود. آن‌ها آنچه را به ارث بردند، ترجمه و تفسیر کرده، تحلیل‌های ارزشمندی به آن افزودند. مهم‌تر اینکه از خود نیز فراوان تراویدند (برای اطلاع بیشتر رک: رنان، ۱۳۶۶: صص ۳۳۴-۲۸۱). گفته شده عربستان مغزهای علمی اصیلی بار داد و آنان را تا بلوغشان پروراند (رنان، ۱۳۶۶: صص ۲۸۴-۲۸۳).

۱-۱۵. تکوین و تطور جریان‌های فکری-علمی و عقل‌گرا پس از ظهور اسلام در

بلاد اسلامی

با ظهور اسلام و گسترش آن در سرزمین‌های شرق و غرب، فضای باز علمی متأثر از فرهنگ دین اسلام نضج گرفت. پیامد متوسط آن تأسیس و تکوین گرایش‌های مختلف علمی و درحقیقت، روش‌های مختلف علمی بود. این گرایش‌ها محصول هستی‌شناسی، معرفت‌شناسی و انسان‌شناسی اسلامی بود. معتزله یکی از آن‌ها بود که با دیدگاهی حداکثری به روش‌شناسی عقلی، در اوایل قرن دوم هجری در بصره ظهور و تا قرن هفتم هجری ادامه حیات داد. سؤال این است که چگونه دینی که به گفته رنان در ذات خود با عقل و عقل‌گرایی مخالف است، درون خود جریان‌های فکری-علمی را پرورش داده که در روش‌شناسی معرفتی، روش عقلی را برمی‌گزینند و مدت‌ها بر حوزه معرفت‌شناختی علمی بلاد اسلامی حاکمیت می‌یابد؟

۱-۱۶. گرایش‌های عقلی برخی مذاهب اسلامی

استمرار اسلام شیعی اثنی‌عشری پس از رحلت رسول اعظم ﷺ تاکنون شاهد خوبی بر همراهی دین اسلام با عقل، علم و فلسفه است؛ بر این اساس، رنان در جهت جداانگاشتن تشیع از اسلام (برای اثبات پارادوکس معرفتی خودساخته‌اش) تلاش می‌کند و می‌گوید: «به همان اندازه که از اسلام مصطلح دور می‌شوید، به تشیع نزدیک».^۱ بیان این جمله از دو حال خارج نیست؛ یا اطلاع رنان از مذاهب اسلامی آن‌قدر ضعیف است که اطلاع چندانی از گرایش‌های مذهبی دین اسلام ندارد و یا تشیع را داخل در دین اسلام نمی‌داند، یعنی اطلاعات خود را درمورد تشیع از سلفی‌ها گرفته است. اگر احتمال دوم را قوی بدانیم، به نظر می‌رسد که مابقی اطلاعاتش درمورد اسلام را هم از همین جریان کسب کرده است؛ از این رو، دیدگاه سلفی‌ها نسبت به فلسفه، عقل و علم به او منتقل شده و او دانسته یا نادانسته آن را دلیل بر غیراسلامی و غیرعربی نشان دادن تمدن اسلامی قرار داده است.

۱. او می‌گوید: «... تنها استثنایی که هست ایران است که روح ملی خود را محفوظ داشته چون ایران یک مقام مخصوصی را در اسلام احراز نمود و ایرانی بیشتر شیعه است تا مسلمان» (حلبی، ۱۳۵۶: ص ۷ از ضمیمه کتاب).

فرضیه رشد طولی و عرضی گرایش‌های عقلی در تمدن اسلامی در زمان تسلط شیعیان بر حکومت اسلامی در مقام تاریخی صحیح است یا خیر؟ باید در جایی دیگر به صورت مفصل به آن پرداخته شود.

۱۷-۱. سهم دانشمندان غیرمسلمان در رشد و گسترش علم

با ظهور اسلام، انقلاب علمی در شرق آغاز شد. مراکز علمی، رشته‌های مختلف علمی و علما و دانشمندان بزرگ پا به عرصه وجود نهادند و حرکت عظیم تمدن اسلامی را شکل دادند. تأکید تاریخی اسلام (منبعث از تأکید منطقی آن) به‌عنوان دین خاتم، بر حذف عنصر نژاد و عنصر مذهب در تعلیم و تعلم، منجر به جذب دانشمندان غیرمسلمان و گسترش علوم در کنار تلاش‌های دانشمندان مسلمان شد؛ بر این اساس، منسوب کردن رشد علمی در تمدن اسلامی به این دانشمندان از انصاف به دور است.

۱۸-۱. تمدن‌سازی نژاد عرب

ارنست رنان به خاطر تفکرات نژادپرستانه و ضدسامی همیشه مورد انتقاد بوده است؛ چراکه او معتقد بود نژاد سامی گرفتار دگماتیسم ذهنی بوده و مستعد تمدن نیست. او نژاد سامی را یک نژاد «ناقص» می‌دانست و قائل بود طبیعت، نژادهای گوناگون را برای کارکردن فراهم کرده است. نژاد چینی چابکی شگفت‌انگیزی در کارهای دستی دارد و تقریباً هیچ‌گونه احساس شرف و افتخار در او نیست. نژاد سیاه نژاد کار بر روی زمین و کشاورزی است، با او به مهربانی و انسانیت رفتار کن تا همه چیز روبه‌راه و آن‌گونه که شایسته است بماند. دیگری نژاد اربابان و جنگاوران است، یعنی نژاد اروپایی؛ اگر این نژاد نجیب را به کارهای پست مانند چینی‌ها و سپاهان بگماری، شورش خواهند کرد... آنچه برای کارگر ما مایه شورش است، مایه شادمانی یک چینی و یک فلاح (عرب) خواهد بود؛ زیرا که آنان به هیچ‌عنوان مخلوقات نظامی (جنگجو) نیستند. هرکس را به کار مخصوص خود بگمار تا همه خوش باشند. در جایی دیگر بیان می‌کند این نژاد (سامی) - اگر بتوانم نام نژاد بر آن بگذارم - در برابر نژاد هندواروپایی مانند یک طرح مدادی است در برابر یک نقاشی؛ او فاقد آن تنوع و

آن غنا و فراوانی زندگی است که شرط لازم تکامل و بی‌نقصی است.... نژاد سامی پربارترین دوره زندگی خود را در عهد کودکی خود تجربه کرده و از آن پس دیگر هرگز به سن بلوغ نرسیده است.

تأکید وی بر عنصر نژاد در تمدن‌سازی با گزارش‌های تاریخی ناسازگاری کامل دارد؛ در قسمتی از شبه‌جزیره عربستان به نام یمن، تمدنی عظیم در گذشته‌های دور شکل گرفت. تمدن یمن و سد معروف آن به همراه دو قصر مشهورش از مظاهر مهم تمدن عربی قبل اسلام در جزیره‌العرب است (زیدان و لوبون، ۱۳۶۸: ص ۷).

۱۹-۱. نهادهای علمی و آموزشی تأسیسی اسلامی

ارتباط وثیق دین اسلام با علم و تمدن منجر به تأسیس مرکزی عبادی-سیاسی و نیز عبادی-تعلیمی به نام مسجد (اولین نهاد آموزشی در تمدن اسلامی) در ابتدای قرن یکم هجری شد. مکتب‌خانه یا کتاب، مدرسه‌ها، خانه‌های دانشمندان، مغازه دانشمندان، کتابفروشی‌ها، کتابخانه‌ها و بیمارستان‌ها، رباط‌ها، زاویه‌ها، جامعه‌ها، فرهنگستان‌ها (بیت‌الحکمه یا خزانه‌الحکمه که بنیادی علمی-پژوهشی بود)، دارالعلم‌ها، دارالحکمه، دارالاسیاده، رصدخانه، سوق‌الوراقین، معسکر و مراکز دیگری که در کتاب‌های تاریخ تمدن اسلامی مفصل بیان شده است (برای اطلاع بیشتر ر.ک: منیرالدین، ۱۳۸۴؛ اکبری، ۱۳۸۹؛ شلبی، ۱۳۶۱؛ غنیمه، ۱۳۷۲؛ تاجی، ۱۳۸۷؛ کریمی زنجانی، ۱۳۸۵؛ باغستانی و معینی، ۱۳۸۸، حلبی، ۱۳۶۵). حاکی از نوعی نبوغ و بلوغ در تأسیس مراکز علمی است.

۲۰-۱. جایگاه تاریخی علوم فلسفی و فلاسفه در غرب

ادعای رنان در باب تکفیر فلاسفه، البته در تاریخ غرب اسلامی، به‌وضوح قابل مشاهده است. با ورود فلسفه به اندلس در قرن سوم هجری، مخالفت با آن به‌صورت تکفیر آغاز شد. در قرن ششم هجری سلطان اندلس به تعقیب فلاسفه پرداخت و آن‌ها را اخراج کرد. از جمله این افراد ابن‌رشد و ذهبی بودند. ابن‌باجه و ابن‌طفیل از معروف‌ترین فلاسفه مغرب‌زمین هستند که اولی به دلیل فشارهای وارده جان خود را از دست داد (حلبی،

۱۳۵۶: صص ۱۴۰-۱۳۹)؛ بر این اساس، گفته رنان در مقام تاریخی در سرزمین‌های غربی و نه شرقی، تاحدودی صحیح است.^۱

۲۱-۱. اتحاد مغول و مسیحیت، عامل مهم دیگر ضعف مسلمین

غرب به جنگ‌های تحمیلی صلیبی اکتفا نکرد و با حمایت از حملات مغول و تلاش جهت اتحاد مغول-مسیحی علیه مسلمانان، دومین ضربه را پس از جنگ‌های صلیبی به بدنه تمدن اسلامی وارد کرد تا تیره‌روزی و سیاه‌بختی خود را به شرق منتقل کند (ثواب، ۱۳۷۹: صص ۱۲۲-۹۸)؛ درنهایت، پس از رنسانس، با طراحی پروژه استعمار در سه سطح به سرزمین‌های اسلامی یورش بردند و قدرت خود را تثبیت کردند و بلاد اسلامی را در مرحله ضعف نگاه داشتند (همان: صص ۳۳۰-۱۸۹).

۲۲-۱. عمومیت دیدگاه طبقاتی رنان در حوزه‌های دیگر

رنان در کتاب *اصلاحات فکری و اخلاقی کشور فرانسه*، استقرار سلطنت و نجبا (آریستوکراسی) را توصیه کرده ولی سرانجام از روی اکراه با نظام جمهوری کنار آمده و از آن پادشاهی نیز دریافت کرده است (برای اطلاع بیشتر ر.ک: دهشیری، ۱۳۶۹: صص ۱۸۶-۱۷۷)؛ به این ترتیب، رنان با رویکردی طبقاتی در حوزه‌های مختلف، به توصیف و تبیین مسائل پرداخته است. در حوزه سیاسی-اجتماعی با نگاه آریستوکراسی، استقرار طبقه خاص را توصیه می‌کند. همچنین، در حوزه تمدن‌سازی، نژادی خاص را تمدن‌ساز می‌داند و دیگر نژادها را نفی می‌کند. منشأ حیات بیمارگونه وی برابند هندسه معرفتی حاکم بر نظام علمی و سیاسی روشنگری غرب است که محصول پارادوکس‌های موجود در آن است. گرایش‌های نژادی در کنار دمکراسی‌خواهی در حوزه‌های سیاسی-اجتماعی از آن جمله‌اند؛ بنابراین، می‌بینیم این نظام معرفتی در دیدگاه رنان پیرامون تمدن اسلامی، ظهور و بروز می‌یابد.

۱. اگر با روش‌شناسی رنان بخواهیم به تحلیل این‌گونه حوادث بپردازیم، باید بگوییم غرب همان‌طور که در طول حیات تاریخی خود هیچ‌گاه موحد نبوده و حتی مسیحیت هم که به آنجا رفت از تحریف مصون نماند و به تئلیت مبدل شد، در زمان گسترش اسلام، با ورود اسلام به جنوب اروپا، اسلام از تحریف مصون نمانده و مقابله با اصول اصلی اسلام از جمله تشویق به علم‌آموزی در آنجا شکل گرفت.

۲. نقد روشی و ساختاری

۱-۲. تناقض دیدگاه در ساحت منطق و تاریخ

دیدگاه ارنست رنان علاوه بر تضاد با دیدگاه ثبوتی اسلام در مورد تمدن اسلامی (نقد اول)، از نظر اثباتی نیز درباره چستی تمدن اسلامی تناقض دارد. با مطالعه تمدن اسلامی با دیدگاه منطقی، نوعی تمدن اسلامی مبتنی بر عناصر علمی، اقتصادی، فرهنگی، سیاسی و اخلاقی بر پایه نوعی هندسه معرفتی به طور کامل قابل کشف و استنباط است. حتی با مطالعه ماهیت تمدن اسلامی با دیدگاه تاریخی، دیدگاه رنان با مستندهای تاریخی (متکی بر معرفت‌پژوهی تاریخی) مغایرت دارد؛ در نتیجه، در سطح دیدگاه، هیچ نوع دیدگاه منطقی و تاریخی همسو با مطالعات و مستندات تاریخی وجود ندارد (میرمحمدی و بارانی، ۱۳۹۱: صص ۴۹-۵۰).

۲-۲. دیدگاه فلسفی ارنست رنان

با توجه به اینکه رنان فیلسوف بود، دیدگاه او تحت‌تأثیر نوعی دیدگاه فلسفی قرار گرفته است و به دلیل فقر روش‌شناسی تاریخی و مطالعات تاریخی، دیدگاه او با مطالعات تاریخی، سنخ‌شناسی و روش‌شناسی نوعی تناقض منطقی دارد به تعبیری، عدم تسلط ارنست رنان به مباحث تاریخی، ضعف مطالعات تاریخی و تمدنی و نیز ضعف روش‌شناسی در دیدگاه او مشهود است (همان: ص ۵۰).

۳-۲. استفاده ارنست رنان از روش زمینه‌شناسی تاریخی در دیدگاه خود

با دقت در روش زمینه‌شناسی تاریخی (برای اطلاع بیشتر از این روش ر.ک: عسگری و نوروزی، ۱۳۹۳: ص ۳۵۵) درمی‌یابیم که رنان متأثر از نمودهای جهان‌بینی مسیحیت در غرب به تحلیل تمدن اسلامی و بیان دیدگاه پرداخته است. این نمودها عبارت‌اند از: تعارض «لاینحل» بین روح و جسم، مذهب و علم، تمدن و فرهنگ (بگوویچ، ۱۳۷۴: ص ۱۶)؛ از این رو، رنان با روش مذکور در کتاب روش‌شناسی تاریخی‌گری^۱، به تحلیل

۱. یعنی فهم هر پدیده‌ای صرفاً از طریق تاریخ است. به نظر می‌رسد یکی از راه‌های فهم هر پدیده‌ای، از طریق تاریخ و گزاره‌های تاریخی است و نه علت تامه و تنها راه. مستشرقانی همچون آدام متز، جرجی زیدان، آندره میکل و فلیپ حتی و ژوزف بورلو را می‌توان از مستشرقان پیرو روش‌شناسی تاریخی‌گری در عرصه‌های تمدنی دانست.

تمدن اسلامی پرداخته و اسلام را در تعارض با علم و تمدن و فلسفه تبیین کرده است. بر این اساس، استنساخ‌برداری و تطبیق‌گزینی او میان مسیحیت و کلیسا در دوران تاریخ اروپا با اسلام در دوران رنسانس اسلامی دیدگاه مذکور را درون ذهن او پرورش داده است. این گزینش، ناشی از رنسانس علمی در اروپا و همچنین، تطور فکری و دیدگاه انتقادی او به دین (که در زمان نوجوانی و جوانی او به تناسب مشکلات حاصل شده در زندگی‌اش شکل گرفته) است و او خوشحال از کشف یک حقیقت موهوم، این نوع تفسیر را بر دیگر ادیان بدون در نظر گرفتن شرایط ثبوتی و اثباتی تعمیم داده است.^۱

نتیجه‌گیری

فعالیت مستشرقان در حوزه تمدن اسلامی تاکنون با فراز و نشیب‌ها و دیدگاه‌های مختلفی روبه‌رو بوده است. نفی دیدگاه تمدنی اسلام یکی از آن‌هاست. پذیرش تمدنی در سطح جهانی در بلاد اسلامی در قرون اولیه اسلام، نفی منشأ عربی این تمدن و نفی منشأ اسلامی از اصول این دیدگاه است. رنان دارای ذهنی دو زیست و پارادوکسیکال بود که متأثر از حیات علمی‌فرهنگی او، فضای تک‌بعدی غالب در جوامع علمی کشورهای غربی در حوزه روش‌شناسی، رنسانس و فرقه‌های منحرف اسلامی شکل گرفته بود؛ از این رو، تحلیل‌های خود را در این قالب مطرح و عرضه می‌کرد. رویکرد مطرح‌شده با دو روش محتوایی و ساختاری به نقد گذارده شد و مشخص شد این دیدگاه در مقام منطق و مقام تاریخی، متزلزل است.

لزوم تحقیق در مورد میزان تأثیر اسلام، مسلمانان، بلاد اسلامی، تمدن‌های دیگر و

۱. ارنست رنان با الهام‌گیری از رفرماسیون و اصلاحات مذهبی، به دنبال همسان‌سازی مسیحیت با اسلام است. روشی که او در نقد اسلام در حوزه تمدن‌سازی و دانش در پیش گرفته، روی دیگر سکه اصلاحات مذهبی در اروپا است؛ از این رو، در سخنرانی خود بر احیای تمدن ساسانیان در عراق عرب توسط عباسیان تأکید دارد. به نظر می‌رسد حیات تاریخی او مهم‌ترین عامل شکل‌گیری منظومه فکری‌اش در حوزه تمدن اسلامی و همچنین، شکل‌گیری ذهن دو زیستی در او است؛ از این رو، بجاست قبل از پرداختن به دیدگاه‌های دانشمندان غربی، به حیات تاریخی آن‌ها پرداخته شود تا منشأ شکل‌گیری دیدگاه‌های آن‌ها روشن شود.

دانشمندان غیرمسلمان در تکوین و گسترش تمدن اسلامی ضروری است. همچنین، گزاره‌های تأسیسی و امضایی تمدن اسلام از مباحث مهم در این زمینه است که باید در مقام ثبوت و اثبات مورد تحقیق واقع شود. عینیت تاریخی درمورد مستشرقان از لوازم ضروری در پرداختن به دیدگاه‌های آن‌ها در حوزه تمدن اسلامی است که باید مورد ارزیابی واقع شود. همچنین، ادله تاریخی رنان در سخنرانی مشهورش پیرامون نفی منشأ اسلامی و عربی تمدن اسلامی باید بازبینی تاریخی شده، ضعف آن‌ها در مقاله‌ای مجزا با روشی تاریخی مورد ارزیابی قرار گیرد.

کتابنامه

۱. قرآن کریم.
۲. آشوری، داریوش. ۱۳۵۷. **تعریف‌ها و مفهوم فرهنگ**. تهران: مرکز فرهنگی آسیا.
۳. اکبری، مرتضی. ۱۳۸۹. **درآمدی بر تاریخ آموزش در اسلام و ایران**. ایلام: جوهر حیات.
۴. الویری، محسن. ۱۳۸۱. **مطالعات اسلامی در غرب**. تهران: سمت. چاپ اول.
۵. امام خمینی، سید روح‌الله. ۱۳۸۵. **شرح حدیث جنود عقل و جهل**. تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی. چاپ دهم.
۶. امین عراقی، احمد. ۱۳۵۴. **راه تکامل**. ترجمه احمد بهشتی. تهران: دارالکتب الاسلامیه.
۷. بگوویچ، علی عزت. ۱۳۷۴. **اسلام بین دو دیدگاه شرق و غرب**. ترجمه سید حسین سیف‌زاده. تهران: وزارت امور خارجه. چاپ اول.
۸. باغستانی، اسماعیل؛ معینی، محسن. ۱۳۸۸. **تعلیم و تربیت در تمدن اسلامی**. تهران: شرکت افست. چاپ اول.
۹. بلاوت، جیمز ام. ۱۳۸۹. **هشت تاریخ‌دان اروپامحور**. ترجمه ارسطو میرانی و رفیعی. تهران: امیرکبیر. چاپ اول.
۱۰. بورلو، ژوزف. ۱۳۸۶. **تمدن اسلامی**. ترجمه سید اسدالله علوی. مشهد: آستان قدس رضوی. چاپ اول.
۱۱. تاجی، محمدرضا. ۱۳۸۷. **اصطلاح‌نامه نظام آموزشی در فرهنگ و تمدن اسلام و ایران**. تهران: پژوهشگاه فرهنگ، هنر و ارتباطات. چاپ اول.
۱۲. توین‌بی، آرنولد. ۱۳۷۶. **خلاصه دوره دوازده‌جلدی بررسی تاریخ تمدن**. ترجمه محمدحسین آریا. تهران: امیرکبیر. چاپ اول.
۱۳. ثواقب، جهانبخش. ۱۳۷۹. **نگرشی تاریخی بر رویارویی غرب با اسلام**. قم: دفتر تبلیغات اسلامی. چاپ اول.
۱۴. حسینی، سید اکبر. ۱۳۹۰. **درآمدی بر علم کلام**. قم: دانشگاه فرهنگ و معارف اسلامی.
۱۵. حلبی، علی‌اصغر. ۱۳۵۶. **زندگی و سفرهای سید جمال‌الدین اسدآبادی با شرح و نقد رساله نیچریه به ضمیمه مقاله "اسلام و علم" نوشته ارنست رنان و نقد سید جمال بر آن**. تهران: زوار.

۱۶. _____ ۱۳۶۵. تاریخ تمدن اسلامی. اول. بی‌جا: دیبا.
۱۷. درانی، کمال. ۱۳۸۰. تاریخ آموزش و پرورش ایران قبل و بعد از اسلام. تهران: سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاه‌ها (سمت). چاپ سوم.
۱۸. دورانت، ویل. ۱۳۷۱. تاریخ تمدن. ترجمه ابوطالب صارمی، ابوالقاسم پاینده، ابوالقاسم طاهری. تهران: سازمان انتشارات و آموزش انقلاب اسلامی. چاپ سوم.
۱۹. دهشیری، سید ضیاءالدین. پاییز و زمستان ۱۳۶۹. «ارنست رنان». مجله دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه تهران. شماره پیاپی ۱۱۵ و ۱۱۶. صص ۱۸۶-۱۷۷.
۲۰. رنان، ارنست. ۱۳۶۸. «درباره علوم عربی و هنر اسلامی». ترجمه رامین کامران. مجله ایران‌شناسی. شماره ۴. صص ۷۲۶-۷۴۰.
۲۱. _____ ۱۳۷۳. «ملت چیست». ترجمه عزت‌الله فولادوند. کلک پژوهش. شهریور، شماره ۵۴. صص ۴۰-۴۴.
۲۲. رنان، کالین ا. ۱۳۶۶. تاریخ علم کمبریج. ترجمه حسن افشار. تهران: پنگوئن. چاپ اول.
۲۳. زیدان، جرجی؛ لوبون، گوستاو. ۱۳۶۸. تاریخ تمدن اسلام و عرب. ترجمه هادی خاتمی بروجردی. تهران: صدر. چاپ دوم.
۲۴. سارتن، جورج. ۱۳۸۸. مقدمه بر تاریخ علم. ترجمه غلامحسین صدری افشار. تهران: انتشارات علمی و فرهنگی. چاپ سوم.
۲۵. ساروخانی، باقر. ۱۳۷۰. درآمدی بر دایره‌المعارف علوم اجتماعی. تهران: کیهان. چاپ اول.
۲۶. سردار، ضیاءالدین. ۱۳۸۸. فرهنگ‌شناسی. ترجمه زهره هدایتی. تهران: شیرازه کتاب.
۲۷. سعیدی، غلامرضا. ۱۳۴۸. مستشرقین و اسلام. تهران: ارشاد. چاپ دوم.
۲۸. _____ ۱۳۷۲. مفخر شرق سید جمال‌الدین اسدآبادی. ترجمه سید غلامرضا سعیدی. تهران: دفتر نشر فرهنگ اسلامی. چاپ دوم.
۲۹. شریفی، احمدحسین. ۱۳۹۵. روش‌شناسی علوم انسانی اسلامی. اول. تهران: آفتاب توسعه (ناشر اختصاصی آثار مرکز پژوهش‌های علوم انسانی اسلامی صدرا).
۳۰. شلی، احمد. ۱۳۶۱. تاریخ آموزش در اسلام. ترجمه محمدحسین ساکت. تهران: دفتر نشر فرهنگ اسلامی.
۳۱. صادقی اردستانی، احمد. ۱۳۷۱. داستان‌های کودکی بزرگان تاریخ. تهران: مطهر. ۱۳۷۳. چاپ اول.

۳۲. صالحی، نصرالله. بهار ۱۳۸۹. «بازشناسی رديه‌های اندیشه‌گران جهان اسلام بر ادعاهای ارنست رنان». فصلنامه مطالعات تاریخ اسلام. شماره ۴. صص ۵۹-۸۶.
۳۳. طباطبایی، سید محمدحسین. بی‌تا. ترجمه تفسیرالمیزان. ترجمه سید محمدباقر موسوی همدانی. قم: انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمی قم.
۳۴. طلوعی، محمود. ۱۳۷۷. فرهنگ جامع سیاسی. تهران: علم. چاپ دوم.
۳۵. عبودیت، عبدالرسول. ۱۳۸۵. درآمدی به نظام حکمت صدرایی. اول. قم: سمت و مؤسسه امام خمینی.
۳۶. عسگری، یاسر؛ نوروزی فیروز، رسول. ۱۳۹۳. روش‌شناسی مطالعات اسلامی در غرب. گفتارهایی از عبدالعزیز ساشادینا تدوین و نگارش. قم: پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی. چاپ اول.
۳۷. عنایت، حمید. ۱۳۵۸. سیری در اندیشه سیاسی عرب. تهران: سپهر. چاپ دوم.
۳۸. غطاس کرم، انطون؛ الیازجی، کمال. ۱۹۹۰م، اعلام الفلاسفه العربیه. بیروت: مکتبه لبنان. چاپ چهارم.
۳۹. غنیمه، عبدالرحیم. ۱۳۷۲. تاریخ دانشگاه‌های بزرگ اسلامی. ترجمه دکتر نورالله کسای. تهران: انتشارات دانشگاه تهران.
۴۰. فنایی اشکوری، محمد. ۱۳۹۰. درآمدی بر تاریخ فلسفه اسلامی. تهران: سمت و مؤسسه آموزشی امام خمینی (ره). چاپ اول.
۴۱. کاشفی، محمدرضا. ۱۳۸۹. تاریخ فرهنگ و تمدن اسلامی. قم: المصطفی. چاپ سوم.
۴۲. کریمی زنجانی اصل، محمد. ۱۳۸۵. دارالعلم‌های شیعی و نوزایی فرهنگی در جهان اسلام. تهران: انتشارات اطلاعات. چاپ اول.
۴۳. کسائی، نورالله. ۱۳۷۴. مدارس نظامیه و تأثیرات علمی و اجتماعی آن. تهران: چاپخانه سپهر. چاپ سوم.
۴۴. کلینی، ابی‌جعفر محمدبن یعقوب بن اسحاق. ۱۳۸۱ق. الاصول من الکافی. صححه و علق علیه علی اکبر الغفاری. تهران: مکتبه الصدوق.
۴۵. گوتاس، دیمیتری. ۱۳۸۱. تفکر یونانی، فرهنگ عربی: نهضت ترجمه کتاب‌های یونانی به عربی در بغداد و جامعه آغازین عباسی (قرن‌های دوم تا چهارم/ هشتم تا دهم). ترجمه محمدسعید حنایی کاشانی. تهران: مرکز نشر دانشگاهی.

۴۶. لوکاس، هنری. ۱۳۸۲. **تاریخ تمدن**. ترجمه عبدالحسین آذرنگ. تهران: سخن. چاپ پنجم.
۴۷. مالینوفسکی، برونیسلاو. ۱۳۷۹. **نظریه‌ای علمی درباره فرهنگ**. ترجمه عبدالحمید زرین‌قلم. تهران: گام نو.
۴۸. مدرسی چهاردهی، مرتضی. ۱۳۴۷. **سید جمال‌الدین و اندیشه‌های او**. تهران: امیرکبیر. چاپ سوم.
۴۹. محمدی ری‌شهری، محمد. ۱۳۸۶. **منتخب میزان‌الحکمه با ترجمه فارسی**. تلخیص سید حمید حسینی. ترجمه حمیدرضا شیخی. قم: دارالحدیث. چاپ ششم.
۵۰. مطهری، مرتضی. ۱۳۸۰. **مجموعه آثار شهید مطهری**. تهران، قم: صدرا. چاپ ششم.
۵۱. منیرالدین، احمد. ۱۳۸۴. **نهاد آموزش اسلامی**. ترجمه محمدحسین ساکت. تهران: نگاه معاصر.
۵۲. موسوی بروجردی، کاظم. ۱۳۷۲. **دایرةالمعارف بزرگ اسلامی**. تهران: مرکز دایرةالمعارف بزرگ اسلامی. چاپ اول.
۵۳. مهدوی، اصغر؛ افشار، ایرج. ۱۳۸۹. **مجموعه اسناد و مدارک چاپ‌نشده درباره سید جمال‌الدین اسدآبادی مشهور به افغانی**. تهران: ثریا.
۵۴. میرمحمدی، سید ضیاء‌الدین؛ بارانی، محمدرضا. ۱۳۹۱. «درآمدی بر چیستی تمدن اسلامی از دیدگاه مستشرقان». **تاریخ اسلام**. شماره ۵۰. تابستان. صص ۶۱-۷.
۵۵. نصیری، علی‌اکبر. ۱۳۸۴. **تاریخ آموزش و پرورش ایران (از هخامنشیان تا قاجاریان)**. تهران: انتشارات آوای نور.
۵۶. نوروزی، محمدمسعود؛ قاسمی، علی. ۱۳۸۳. **روشنگر شرق سید جمال‌الدین اسدآبادی**. تهران: قصیده‌سرا. چاپ اول.
۵۷. واقفی، صدر. ۱۳۳۵. **سید جمال‌الدین حسینی پایه‌گذار نهضت‌های اسلامی**. تهران: پیام.
۵۸. ولایتی، علی‌اکبر. ۱۳۸۶. **پویایی فرهنگ و تمدن اسلام و ایران**. تهران: وزارت خارجه. چاپ اول.
۵۹. _____ ۱۳۹۲. **فرهنگ و تمدن اسلامی**. قم: معارف. چاپ پنجاه‌ویکم.
۶۰. هونکه، زیگرید. ۱۳۷۰. **فرهنگ اسلام در اروپا (خورشید الله بر فراز مغرب زمین)**. ترجمه مرتضی رهبانی. بی‌جا: دفتر نشر فرهنگ اسلامی. چاپ سوم.
۶۱. یزدان‌پناه، سید یدالله. ۱۳۸۹. **حکمت اشراق**. تحقیق و نگارش مهدی علی‌پور. ناظر علمی احمد احمدی. قم: پژوهشگاه حوزه و دانشگاه. چاپ اول.